

ضرورتها و ظرفیت‌های تحقق سند چشم‌انداز

نویسندگان: نجف لک زایی^۱

محسن مرادیان^۲

چکیده: در این گزارش ابتدا به طور خلاصه به بررسی ادبیات موضوع شامل برنامه‌ریزی فرهنگی، دیدگاه‌های پارسونز در این خصوص، سند چشم‌انداز بیست ساله و چالش‌های پیش روی آن و جایگاه جنبش نرم‌افزاری در آن خواهیم پرداخت. از آنجا که متغیر ظرفیت‌های موجود، جایگاهی کلیدی در تحقق سند چشم‌انداز دارد، وضعیت موجود خود و برخی کشورهای منطقه را نیز بررسی خواهیم کرد. نتیجه این بحث آشکار خواهد ساخت که تحقق اهداف چشم‌انداز از نظر احراز جایگاه اول اقتصادی و علمی در میان همسایگان و کشورهای آسیای جنوب غربی، به علت مشکلات جمعیتی و بیکاری ناشی از آن و نیز مشکلات زیر ساختی در زمینه‌های آموزشی و علمی و فناوری، بسیار دشوار است مگر آنکه آهنگ رشد خود را نمائی و غیرخطی کنیم تا بتوانیم با توجه به وضع موجود خود و کشورهای مورد نظر در سند چشم‌انداز، به اهداف مذکور در سند برسیم.

واژه‌های کلیدی: چشم‌انداز، برنامه‌ریزی فرهنگی، برنامه ریزی استراتژیک، وضعیت علمی ایران، هدف گذاری

مقدمه

چشم‌انداز، عمر زیادی در مباحث مدیریت نداشته و طرح آن به عنوان یک موضوع ملی و منطقه‌ای به دهه نود میلادی باز می‌گردد. لزوم طرح پیشینه چشم‌انداز در ایران از آن رو است که با نگاهی نقادانه به چشم‌اندازهای قبلی علل عدم تحقق آنها روشن شود تا در چشم‌اندازهای آینده، این نقایص رفع و چشم‌اندازی شفاف و جامع تدوین شود.

با نگرشی تاریخی می‌توان چشم‌اندازهای پیشین ایران را به دو رویه «ملی» و «حکومتی» تقسیم نمود. مبنای این تقسیم‌بندی بر اساس نحوه تحقق و میزان مشارکت مردم می‌باشد که در ذیل به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

^۱استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه باقر العلوم (ع)
^۲دانشجوی دکتری دانشکده امنیت ملی

الف) رویه‌های ملی:

رویه‌های ملی، جریان‌ات عظیم و خودجوشی هستند که از سوی مردم به حاکمیت منتقل می‌شوند و از آنها می‌توان به «مطالبات ملی» نیز یاد نمود. در این رویه‌ها، میان مسئولین و مردم، هماهنگی و هم‌دلی بالایی وجود داشت. چشم‌انداز انقلاب اسلامی؛ استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بود و بیشتر به مفهوم انقلاب سیاسی بود و خواستار دگرگونی وضعیت موجود از سیستم شاهنشاهی وابسته و مستبد به یک وضعیت مطلوب، آزاد و مستقل، مردم‌سالار و جمهوری اسلامی بود. چشم‌انداز دوران جنگ؛ آزادی سرزمین‌های اشغال‌شده و تنبیه صدام بود. برای مردم، اهمیت وطن، نقش به‌سزایی داشته و تجزیه کشور قابل تحمل نبود؛ در نتیجه، وحدت ملی میان اقشار مختلف اجتماع شکل گرفت. مردم و مسئولین، شرایط را به‌خوبی درک کرده و سعی نمودند برای حل مشکلات جامعه گام‌های مؤثری بردارند. در این زمان، مسأله حیاتی، بیرون راندن دشمن از کشور و «تثبیت نظام» بود.

ب) رویه‌های حکومتی:

رویه‌های حکومتی، رویه‌هایی هستند که از سوی سیاست‌مداران طراحی شده و به مردم منتقل می‌گردند. تفاوت چشم‌اندازهای حکومتی و ملی، در آن است که چشم‌اندازهای ملی، فرایندی از پایین به بالا دارند؛ در حالی که چشم‌اندازهای حکومتی، فرایندی از بالا به پایین دارند. از مصادیق این رویه‌ها می‌توان به ایران ۱۴۰۰، برنامه‌های توسعه اقتصادی اول، دوم و سوم اشاره نمود. حدود ۵ سال پیش، مقام معظم رهبری در جلسه‌ای، وجود «حلقه مفقوده‌ای» را در برنامه‌ریزی کلان برای مسئولان ارشد نظام یادآور شدند و فرمودند باید این حلقه مفقوده به تمام برنامه‌ها جهت دهد. بعد از این جلسه، «تدوین چشم‌انداز» به مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد. دبیرخانه و کمیسیون‌های مجمع، با تلاش فراوان، چشم‌انداز اولیه را نوشته و به دنبال تصویب در مجمع تشخیص مصلحت نظام به معظم‌له ارایه کردند. ایشان نیز پس از اصلاحاتی آن را مجدداً به مجمع ارجاع دادند و بعد از تصویب نهایی در مجمع تشخیص مصلحت نظام، از سوی مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه، سازمان‌ها و نهادهای مختلف ابلاغ شد.

ویژگی‌های چشم‌انداز

چشم‌انداز دارای ویژگی‌های متعددی است که در ذیل به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) خلق آینده

چشم‌انداز، ایجاد چالشی ارادی و هدفمند است که نظام برای تغییر مسیر جاری به سوی مسیر مطلوب انجام می‌دهد. این چالش، فراگیر و گسترده است، به طوری که تمام آحاد جامعه را در بر می‌گیرد. به تعبیر دیگر، چشم‌انداز، چالشی است جهت «تغییر همگانی» به سوی هدف مطلوب. بنابر این، چشم‌انداز، خلق آینده‌ای است که به صورت نظام‌مند و هدفمند، برای ملتی آینده‌ساز طراحی گردیده است که به دلیل وجود فاصله میان وضعیت فعلی و مطلوب، حاکمیت ناگزیر از مجموعه تغییراتی هدفمند در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... خواهد بود.

ب) راهنمای چالش‌های رشددهنده

چشم‌انداز به دلیل جهت‌دهنده بودن، از اصطکاک‌های فرعی جلوگیری کرده و توان اصلی را در صحنه چالش‌های اصلی (رشددهنده) مدیریت می‌کند. چشم‌انداز، یک راهنمای مدیریت بر چالش‌هاست؛ چرا که اولاً از چالش‌های فرعی جلوگیری می‌کند و ثانیاً توان ملی را در چالش‌های اصلی متمرکز می‌نماید. بنابر این، چشم‌انداز، ظاهری تهاجمی و باطنی تدافعی دارد و بیشتر شبیه یک انقلاب است که با ایجاد چالش علیه وضعیت فعلی، تغییر و تحول در ساختارهای فرهنگی و اقتصادی را خواستار می‌شود.

ج) ایجادکننده وفاق ملی

چشم‌انداز صحیح، ایده‌ای است که آن‌چنان تولید انرژی می‌کند که با به کارگیری استعدادها و توان ملی، حرکت به سوی آینده مطلوب به طور جهشی آغاز می‌شود. به‌عنوان مثال، می‌توان به انقلاب و جنگ تحمیلی اشاره کرد. ملت ایران در انقلاب و جنگ تحمیلی، چشم‌اندازی از آینده داشت؛ زیرا در بحبوحه انقلاب، هرگاه از هدف آحاد جامعه سؤال می‌شد، پاسخ مناسب و واحدی شنیده می‌شد. همچنین در دوران جنگ نیز همگان خواهان آزادسازی سرزمین‌های اشغالی ایران و بیمه کردن آینده امنیتی کشور بودند.

د) جامع و تحول‌گرا

چشم‌انداز، باید از جهات مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، دارای جامعیت بوده و در تدوین آن، نظرات نخبگان حوزه‌های مختلف را دخیل نمود تا به صورت دغدغه مشترک آحاد جامعه درآید. با توجه به افق دوردست، چشم‌انداز در جهت اصلاح و تحول ساختارهای ناکارآمد تلاش می‌نماید. همچنین با آینده‌نگری، به طور مداوم و پویا در حال پیرایه‌زدایی از خود می‌باشد. بنابر این، پاسخگوی مؤلفه‌های قوت و فرصت از یک طرف و رافع نقاط ضعف و تهدید با توجه به استراتژی‌های تعیین شده می‌باشد.

ه) برخاسته از نیازهای اصیل جامعه

چشم انداز باید از نیازهای اصیل جامعه سرچشمه گرفته باشد تا در اثر گذشت زمان، کهنگی نپذیرد و فراموش نشود. در حقیقت، چشم انداز پاسخ مناسبی جهت مطالبات ملی خواهد بود. به دلیل وجود دیدگاه کلان‌نگر سعی شده تا در تدوین چشم‌انداز، به علل اصلی مشکلات جامعه توجه شود.

و) قابل دستیابی، در یک افق زمانی معین

چشم‌انداز باید قابلیت تحقق در زمان مشخص شده را دارا بوده و برای ارزیابی، کمیت‌پذیر باشد. در واقع، چشم‌انداز در آن واحد بر دو مفهوم واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی تأکید می‌ورزد که بر این دو مفهوم همان «واقع‌بینی» می‌باشد؛ یعنی با نیم‌نگاهی به اهداف و نیم‌نگاهی به موانع، مسیر دستیابی به چشم‌انداز طی می‌شود.

ز) شتاب دهنده توسعه

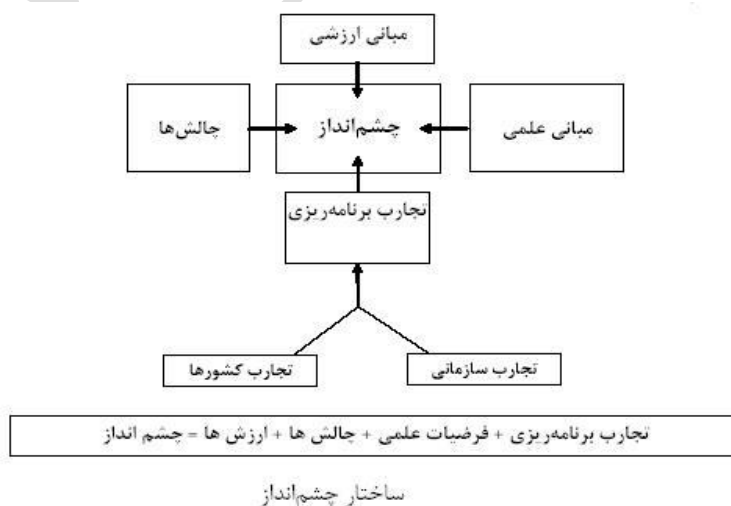
چشم‌انداز با تشخیص انحرافات جامعه در عرصه‌های گوناگون و تطبیق آنها با راستای مطلوب، منجر به ازدیاد شتاب توسعه می‌گردد. چشم‌انداز با تحلیل شرایط محیطی و ارائه آینده مطلوب، تغییرات لازم در عرصه‌های مختلف را بیان می‌نماید تا مسیر رشد و توسعه کشور در زمان کوتاه‌تری طی شود.

سند چشم انداز بیست ساله

چشم‌انداز یعنی نگاه بلند مدت به اهداف آرمانی و بلند پروازانه که در بستر زمان صورت می‌گیرد. در بسیاری از کشورها، اهداف آرمانی که در قانون اساسی آمده یا نظریات رهبران سیاسی و مذهبی، به صورت برنامه‌های چشم‌انداز و بلند مدت تدوین می‌گردد. متعاقباً نظام برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، این آرمان‌ها را عملیاتی یا اصطلاحاً «کمی» کرده و برنامه ۲۰ ساله‌ای را در قالب ۴ برنامه ۵ ساله تدوین نموده و گام به گام به سوی هدف پیش می‌رود. به طور مثال در خصوص هدف خودکفایی، ما باید بتوانیم در اقلامی که در سبد غذایی مردم است نظیر گوشت و نان و ... خودکفا شویم و این پدیده‌ای نیست که یک ساله یا دو ساله حادث شود و مستلزم زمان‌های طولانی است. اهدافی مثل تبدیل شدن به قدرت اول علمی در منطقه نیز که در چشم‌انداز دیده شده است. مستلزم چندین برنامه کوتاه و میان مدت است تا بنیان‌های علمی و مراکز تحقیقی را در انسجام منطقی و رفتاری قرار دهد تا در طی ۲۰ سال آینده شاهد تبدیل این پتانسیل و شرایط بالقوه به بالفعل باشیم.

برنامه های پنج ساله و چشم انداز، مکمل یکدیگرند و این دو با هم نشان می دهند که در طول ۲۰ سال آینده و در هر یک از دوره های پنج ساله، چه حرکت‌هایی را باید انجام دهیم تا به هدف نهایی دست یابیم. اگر کشوری، آرمان‌های والایی همچون چشم انداز ۲۰ ساله داشته باشد، این امر به خودی خود، حسن بزرگی است ولی مهم آن است که برای رسیدن به این آرمانها، برنامه ریزی داشته باشد. چشم انداز ارائه شده، با توجه به افق های مدنظر، بسیاری از نارسایی های اقتصادی کشور را حل خواهد کرد و در نظر گرفتن دورنمای اقتصادی کشور، برنامه ریزی ها را هدفمند و جهت دار نموده و زمینه بهره‌مندی بهتر از منابع را فراهم خواهد نمود. معمولاً برنامه های ۵ ساله با تغییر دولت و مجلس دچار تغییر و تحول شده و امکان تحقق کامل پیدا نمی کنند. اما چشم انداز تدوین شده با توجه به دورنمای لحاظ شده در آن، موجب فراهم کردن زمینه های لازم برای اجرای چنین برنامه هایی می گردد.

با توجه به تدوین استراتژی و این که چشم‌انداز، استراتژی سال‌های آینده است، برای تحقق چشم انداز، زیر ساخت‌های متناسب با اهداف مورد نیاز است. البته ما اکنون در کشور زیر ساخت‌هایی را داریم اما این که آیا این زیرساخت‌ها بتوانند اهداف آرمانی را میسر سازند یا نه؟ جای شک است و این زیرساخت‌ها کافی به نظر نمی‌رسند. لذا برای تحقق کامل چشم‌انداز، باید بسترسازی بیشتری صورت گیرد. ضمن آنکه بسترهای موجود نیز به شدت نیازمند توسعه بوده و حتی نیاز به تجدید بنا در انواع جدید خود را دارند. در واقع زیرساخت‌ها که می توان آنها را در شکل زیر خلاصه نمود، یکی از الزامات رسیدن به اهدافی است که در چشم انداز مطرح شده‌اند.



چگونگی تحقق چشم‌انداز

هرم اجتماعی یکی از عواملی است که در تحقق چشم‌انداز اهمیت به‌سزایی دارد؛ چرا که اگر به رابطه صحیح اجزای این هرم توجه نشود، نباید امیدی به تحقق چشم‌انداز داشته و این برنامه مانند بسیاری از برنامه‌های دیگر، در حد حرف و برنامه‌ریزی باقی خواهد ماند و قابلیت اجرا پیدا نخواهد کرد. ساختار این هرم در شکل زیر مشاهده می‌شود:



هرم اجتماعی

با توجه به این هرم، سیاست‌مداران باید قائل به مشارکت جدی و فراگیر نخبگان در طراحی برنامه‌ها باشند تا بتوانند کامل‌ترین برنامه را تهیه و اجرا نمایند. این امر خود سبب جلوگیری از هدر رفتن منابع ملی می‌گردد و نخبگان در قبال جامعه خویش احساس مسئولیت بیشتری می‌کنند؛ چرا که نخبگان در سطح تصمیم‌سازی و سیاستمداران در سطح تصمیم‌گیری عمل می‌نمایند و لذا ارتباط صحیح بین این دو، باعث می‌گردد تصمیمات اخذ شده، از پشتوانه علمی و تئوریک قوی برخوردار گردند.

همچنین ارتباط نخبگان با نخبگان میانی، ارتباطی مهم و کلیدی است؛ زیرا معمولاً نخبگان، به دلیل عدم ارتباط مستقیم با مردم، از درک نیازهای اصلی آنها غافل مانده و ممکن است تجویز علمی نخبگان، مطابق با بیماری‌های جامعه نباشد، لذا نخبگان میانی، حلقه واسطی را بین نخبگان و مردم ایجاد خواهند کرد تا از یک سو مشکلات جامعه را جهت تهیه راه‌حل به نخبگان ارایه نموده و از سوی دیگر، سخنان نخبگان را به زبان مردم برای خود مردم بیان نمایند.

نتیجه این هرم آن است که در یک تقسیم کار ملی، هر فردی متناسب با جایگاه خویش، قدمی مؤثر در تحقق چشم‌انداز بر می‌دارد؛ یعنی حکام و سیاستمداران در تدوین و اجرای برنامه‌ها و قوانین، باید توجه کافی و وافی به چشم‌انداز مبذول نمایند. همچنین، نخبگان به‌عنوان معماران و

طراحان جامعه، باید طرح‌ها و برنامه‌های کاربردی متناسب با چشم‌انداز ارایه نمایند و نخبگان میانی آنها را برای مردم که عاملین و مجریان اصلی چشم‌انداز هستند، شفاف سازند.

مسئولیت عملیاتی کردن و تهیه مدل اجرایی چشم‌انداز بر عهده نظام برنامه‌ریزی کشور است که در اینجا سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مجمع تشخیص مصلحت نظام با همکاری یکدیگر باید اقدام نمایند و عملیاتی شدن نیز طی برنامه‌های پنج‌ساله تحقق خواهد یافت. لیکن علی‌رغم اینکه برنامه چهارم اولین برنامه‌ای است که چشم‌انداز را تحقق خواهد بخشید، ارتباط ضعیفی بین این برنامه و چشم‌انداز دیده می‌شود. انتقادی که از سوی کارشناسان چه در داخل و چه در خارج مجلس به این برنامه وارد شد، تصویب شتابان برنامه است و این را می‌توان از ایرادات فراوانی که شورای نگهبان به این برنامه گرفت، استنباط نمود. یکی از جنبه‌های اساسی و قابل انتقاد، عدم انطباق و همخوانی این برنامه با چشم‌انداز است. به علاوه نتایج بررسی‌هایی که با استفاده از الگوهای VEC طی دوره ۱۳۴۸-۱۳۸۱ و تابع تولید مبتنی بر مطالعات برو (۱۹۹۰) به الگوسازی با هدف پیش‌بینی رشد اقتصادی طی سال‌های برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) و مقایسه آنها با اهداف پیش‌بینی شده در برنامه چهارم توسعه در زمینه رشد اقتصادی صورت گرفته، نشان می‌دهند که در صورت عدم اصلاح ساختارهای اساسی در اقتصاد کشور، اهداف کمی برنامه چهارم توسعه محقق نخواهند شد.

www.barnameh-budjeh.com/New_Project3/index.asp.htm

با توجه به اینکه تحقق چشم‌انداز جز از طریق همین برنامه‌های پنج‌ساله صورت نمی‌گیرد، و اگر این برنامه‌ها تحقق نیابند، چشم‌انداز نیز محقق نخواهد شد، لذا می‌توان پیش‌بینی نمود در صورت عدم اعمال تصحیحات لازم، چشم‌انداز نیز محقق نگردد. ضمناً بعضی واژه‌ها و اشتراکات لفظی مثل واژه عدالت در این برنامه استفاده شده که نمی‌توان مکانیسم‌هایی را که به تحقق چشم‌انداز منجر شوند، در آن دید. مگر اینکه برنامه مجدداً در دستور کار مجلس قرار گرفته و بازنگری‌های جدی در فصول و مواد آن به عمل آید.

چالش‌های پیش روی چشم‌انداز

مهمترین چالش پیش روی چشم‌انداز را می‌توان عدم باور نظام اجرایی و مقننه نسبت به چشم‌انداز و عملیاتی کردن آن دانست. زیرا نظام اجرایی در هر کشور مسئول اجرای سیاست‌های آن کشور محسوب شده و هر گاه خود آن سیاست‌ها را باور نداشته باشد، نمی‌توان امیدی به اجرای آنها داشت. لذا اراده یا عدم اراده دولت و مجلس در راستای تحقق سند می‌تواند نقطه قوت یا ضعف آن

تلقی شود. در این رابطه ادعا شده است که از نظرات صاحب نظرات و کارشناسان خارج از مجموعه دولت هم استفاده شده اما به نظر می‌رسد بسیاری از صاحب نظران و چهره‌های نخبه اقتصادی، مشارکت لازم را در این برنامه نداشته‌اند.

برخی کارشناسان نیز معتقدند با توجه به تغییر و تحولات روز افزون جهان، نمی‌توان افق ۲۰ ساله را به درستی پیش بینی کرد و در مورد آن از هم اکنون برنامه ریزی نمود. همانطور که ۲۰ سال پیش نمی‌توانستیم شرایط کنونی جهان، همچون تغییرات ایجاد شده توسط سازمان تجارت جهانی یا تغییرات سیاسی را پیش بینی کنیم، از هم اکنون هم نمی‌توانیم شرایط و ویژگی‌های دو دهه آینده را حدس زده و بر اساس آن برنامه ریزی کنیم.

قطعاً در تحقق سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، جنبش نرم افزاری از جایگاه والایی برخوردار است. زیرا تغییر در باورها، نگرش‌ها و رویه‌ها مستلزم یک حرکت انقلابی است و در این رابطه لازم است هر سه قوه در ایجاد فضای جدید و زمینه‌سازی آن انسجام رفتاری داشته و با توجه به حیطة عملکردی، وظایف محوله و قلمروهای ماموریتی خود، اقدام نمایند. قوه مقننه در بخش قانونگذاری باید تحقق این سند را تسهیل نماید و بعد با اهرم‌های کنترلی و نظارتی که تخمین منابع، امکانات و شیوه‌های مدیریتی و اجرا را ساماندهی کند، در این عرصه فعال باشد. دو قوه دیگر نیز باید در حیطة وظایف خود اقدامات لازم را به عمل آورند.

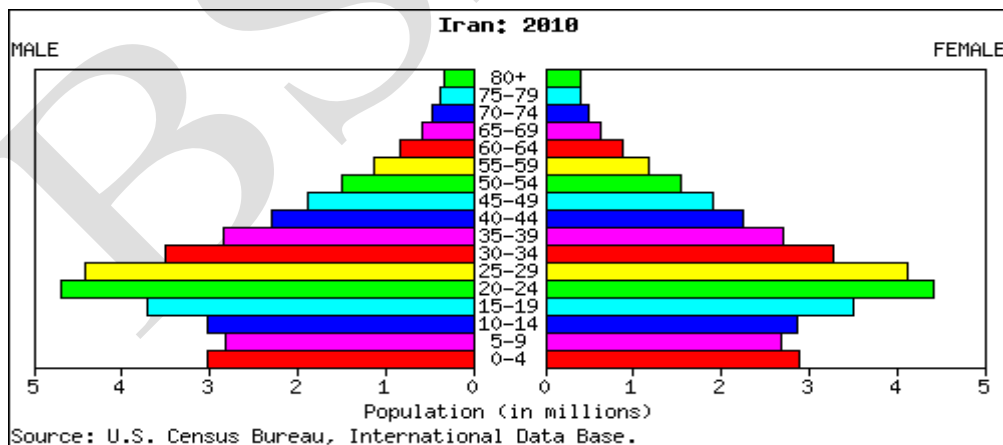
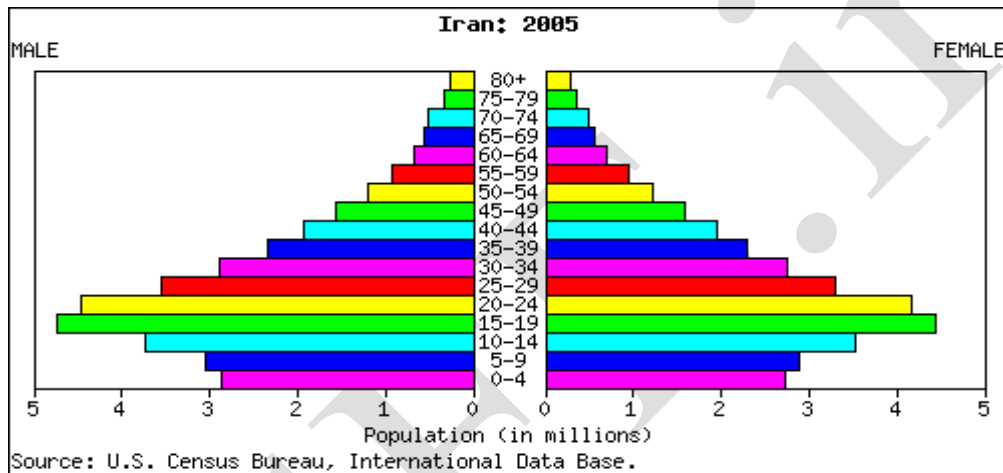
بررسی ظرفیت‌ها و امکان تحقق چشم‌انداز

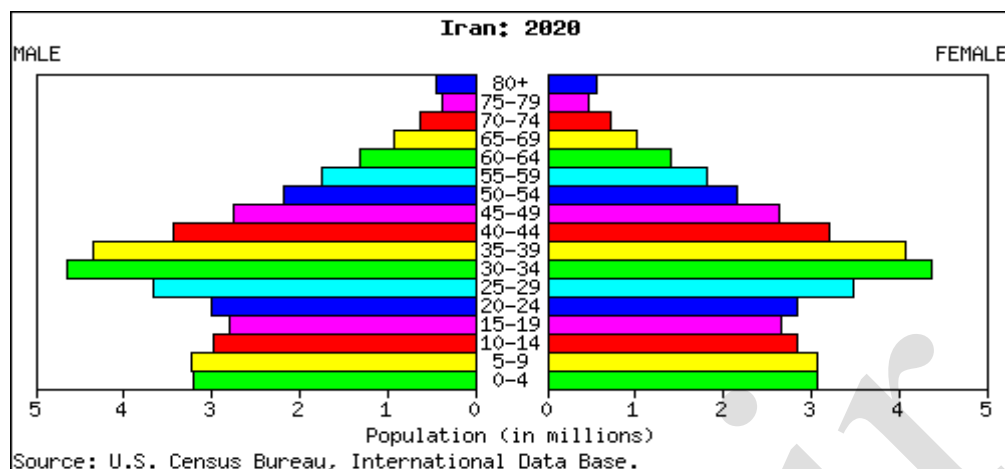
در تدوین چشم‌انداز باید توانائی‌ها، قابلیت‌ها و در مقابل کمبودها، ضعف‌ها و نارسائیها و فرصت‌های داخلی و خارجی و تهدیدها مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرند. سپس این فضا به جریانی منتج شود که به کاهش تهدیدها و رفع محدودیت‌ها منجر شده و از دل اینها اهداف آرمانی بیرون آید. کشور ما از نظر قابلیت‌ها و توانائی‌ها در شرایط مناسبی قرار دارد. در این رابطه نرخ رشد جمعیت و جمعیت جوان کشور می‌تواند یک فرصت باشد اما اگر رها شود می‌تواند به یک تهدید جدی تبدیل شود.

بنابراین بر مبنای این فرصت‌ها بسیاری از اهداف آرمانی می‌توانند شکل گیرند. گستردگی سرزمین، تنوع آب و هوا، موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک همگی شرایطی را بوجود آورده‌اند که به اعتقاد صاحب نظران، امکان دستیابی به اهداف چشم‌انداز را فراهم می‌نمایند. به شرط آن که نظام اجرایی، آن را باور داشته باشد. سلامت قوه مقننه و قضائیه هم شرط مهمی است که در

تحقق چشم‌انداز تاثیرگذار است. نمودارهای ذیل ترکیب جنسی و سنی جمعیت ایران را از سال ۲۰۰۵ میلادی تا سال ۲۰۲۰ میلادی نشان می‌دهند. همانطور که مشاهده می‌شود، قاعده هرم بسیار بزرگ بوده و به تدریج تا سال ۲۰۲۰ یعنی سه چهارم افق چشم‌انداز، با حرکات دودی شکل خود به میانه هرم می‌رسد. این بخش از جمعیت، غیرمولد و فقط مصرف کننده بوده و در واقع همه‌ی امکاناتی را که کشور برای تحقق سند چشم‌انداز لازم دارد، برای رشد خود می‌بلعد.

نمودار تغییرات جمعیتی ایران تا سال ۲۰۵۰ میلادی





منبع: [July 17, 2003 US Census Bureau](http://www.census.gov)

در سند چشم‌انداز، ایران به عنوان کشوری که دارای جایگاه نخست اقتصادی، علمی و فن‌آوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه می‌باشد، دیده شده است و برای تحقق این هدف احیا و افزایش رشد اقتصادی حداقل هفت درصدی در سال، نیاز اساسی کشور طی سالهای آتی خواهد بود.

در حال حاضر سه گرایش کلی در افکار عمومی جامعه ایران وجود دارد که عبارتند از:

عدالت اجتماعی و تحقق آن جهت کم کردن شکافهای طبقاتی موجود،

توسعه سیاسی و تحقق دموکراسی تا با تحقق جامعه مدنی امکان پیشبرد اهداف نظام

فراهم آید

گرایش اقتصاد محور که به رشد اقتصادی توجه دارد.

این در حالی است که اولویت مهمتر برای کارشناسان حتی با نگاه عدالت‌محور یا دموکراسی‌محور، یک رویکرد اقتصاد محور جهت رشد تولید ناخالص ملی است، زیرا از این طریق به دو گرایش دیگر نیز نایل می‌شویم. در حال حاضر ۱۷٪ جامعه زیر خط فقر به سر می‌برند که دو میلیون خانوار و در مجموع ۱۱ میلیون نفر را شامل می‌شود. از سوی دیگر، سالیانه حدود ۲۰۰ هزار نفر از کشور خارج می‌شوند و دیگر باز نمی‌گردند. بنابر این برای مدیریت مشکلات و بحرانهای پیش رو باید در ده سال آینده، کشور حداقل از رشد ۷ درصدی در اقتصاد برخوردار باشد تا در نتیجه آن، سایر اولویتهای سیاسی، اجتماعی و امنیتی حاصل گردند. (<http://www.khaligefars.com>)

از دیدگاه تاریخی، گذشته همواره چراغ راه آینده بوده و هست. لذا برای تحلیل آینده‌ی یک کشور، هیچگاه نمی‌توان به گذشته آن بی‌توجه بود. به علاوه آینده بر اساس زیر ساخت‌هایی که اکنون وجود دارند ساخته می‌شود. لذا بررسی موقعیت کنونی نیز حائز اهمیت بوده و نشان می‌دهد آیا با توجه به امکانات موجود، اهداف برنامه‌ریزی شده قابل حصول می‌باشند یا نه؟

با توجه به اینکه در چشم‌انداز به وضعیت سایر کشورهای منطقه و همسایه نیز توجه شده و موقعیت ایران پس از ۲۰ سال، بالاتر از این کشورها ترسیم شده است، لذا تنها توجه به موقعیت حال و گذشته خود کفایت نکرده و برای تبیین درست مسئله و بررسی‌های نزدیک به واقع، لازم است موقعیت حال و آینده این کشورها را هم بررسی نموده تا بتوان به درستی و با استفاده از روشهای آکادمیک قابل دفاع، در مورد تحقق اهداف مذکور در سند چشم‌انداز قضاوت نمود.

برای اینکار لازم است موقعیت کنونی ایران با کشورهای یادشده مقایسه شود. جداول ذیل موقعیت ایران را در ابعاد مختلف که می‌توانند در تحقق چشم انداز موثر باشند، با کشورهای مذکور مقایسه نموده یا وضعیت ایران را در جهان نشان می‌دهند:

جمعیت فعلی

India	1,049,700,118 (July 2003 est.)
Pakistan	150,694,740 (July 2003 est.)
Egypt	74,718,797 (July 2003 est.)
Iran	68,278,826 (July 2003 est.)
Turkey	68,109,469 (July 2003 est.)
Afghanistan	28,717,213 (July 2003 est.)
Uzbekistan	25,981,647 (July 2003 est.)
Iraq	24,683,313 (July 2003 est.)
Saudi Arabia	24,293,844 (includes 5,576,076 non-nationals (July 2003 est.)
Syria	17,585,540 (July 2002 est)

32

منبع: CIA World Factbook, December 2004

Tajikistan	40% (2002 est.)	نرخ بيكار ي
Saudi Arabia	25% (2002)	
Syria	20% (2002 est.)	
Armenia	20% (2001 est.)	
Georgia	17% (2001 est.)	
Iran	16.3% (2003 est.)	
Azerbaijan	16% (official rate is 1.2%) (2003 est.)	
Jordan	16% official rate; actual rate is 25%-30% (2001 est.)	
Egypt	12% (2001 est.)	
Turkey	10.8% (plus underemployment of 6.1%) (2002 est.)	
Israel	10.4% (2002 est.)	
Uzbekistan	10% plus another 20% underemployed (1999 est.)	
India	8.8% (2002)	
Kazakhstan	8.8% (2002 est.)	
Pakistan	7.8% plus substantial underemployment (2002 est.)	
Kyrgyzstan	7.2% (1999 est.)	
Kuwait	7% (2002 est.)	
Weighted Average	10.2	

35

منبع: OECD. 2003.

1. Tajikistan	99.4%	نرخ باسواد ي
2. Uzbekistan	99.3%	
3. Georgia	99%	
4. Armenia	98.6%	
5. Kazakhstan	98.4%	
6. Turkmenistan	98%	
7. Azerbaijan	97%	
8. Kyrgyzstan	97%	
9. Israel	95.4%	
10. Jordan	91.3%	
11. Turkey	86.5%	
12. Kuwait	83.5%	
14. Iran	79.4%	
15. Saudi Arabia	78.8%	
16. United Arab Emirates	77.9%	
17. Syria	76.9%	
18. India	59.5%	
19. Egypt	57.7%	
20. Pakistan	45.7%	
21. Iraq	40.4%	
22. Afghanistan	36%	
Weighted Average	62.15	

36

منبع: UNESCO Institute for Statistics, March 11, 2003

سهم هزینه های آموزشی از GDP

Uzbekistan	7.4%
Saudi Arabia	7.2%
Israel	6.9%
Jordan	6.4%
Egypt	4.4%
Georgia	4.3%
Iran	3.3%
India	3.3%
Oman	3.2%
Turkey	3.2%

37

منبع: UNESCO Institute for Statistics, March 11, 2003

1. Israel	0.896		
2. Kuwait	0.813		
3. United Arab Emirates	0.812		
4. Saudi Arabia	0.759		
5. Armenia	0.754		
6. Oman	0.751	11. Turkmenistan	0.741
7. Kazakhstan	0.750	12. Uzbekistan	0.727
8. Georgia	0.748	13. Iran	0.721
9. Turkey	0.742	14. Jordan	0.717
10. Azerbaijan	0.741	15. Kyrgyzstan	0.712
		16. Syria	0.691
		17. Tajikistan	0.667
		18. Egypt	0.642
		19. India	0.577
		20. Pakistan	0.499
		Weighted Average	0.6

38

منبع: UNESCO Institute for Statistics, March 11, 2003

1.	Saudi Arabia	\$71 billion f.o.b. (2001)
2.	United Arab Emirates	\$44.9 billion f.o.b. (2002 est.)
3.	India	\$44.5 billion f.o.b. (2001)
4.	Turkey	\$35.1 billion f.o.b. (2002)
5.	Israel	\$28.1 billion f.o.b. (2002 est.)
6.	Iran	\$24.8 billion f.o.b. (2002 est.)
7.	Kuwait	\$16 billion f.o.b. (2002 est.)
8.	Iraq	\$13 billion f.o.b. (2002 est.)
9.	Oman	\$10.6 billion f.o.b. (2002 est.)
10.	Kazakhstan	\$10.3 billion f.o.b. (2002 est.)
11.	Pakistan	\$9.8 billion f.o.b. (FY02/03 est.)
12.	Egypt	\$7 billion f.o.b. (2002 est.)
13.	Syria	\$6.2 billion f.o.b. (2002 est.)
14.	Turkmenistan	\$2.97 billion f.o.b. (2002 est.)
15.	Uzbekistan	\$2.8 billion f.o.b. (2002 est.)
16.	Jordan	\$2.5 billion f.o.b. (2002 est.)
17.	Azerbaijan	\$2 billion f.o.b. (2002)
18.	Afghanistan	\$1.2 billion

صادرات

40

منبع: World Bank, World Development Indicators 2003

Debt - external:	\$8.7 billion (2002 est.)	[66th of 198]
(per \$ GDP):	\$1.89 per \$100	[188th of 195]
(per capita):	\$127.41 per person	[174th of 198]
Economic aid - recipient:	\$408 million (2002 est.)	[44th of 179]
(per \$ GDP):	\$0.08 per \$100	[129th of 173]
(per capita):	\$5.97 per person	[127th of 179]
Economic freedom:	0.85 (2003)	[147th of 161]
Exports:	\$24.8 billion f.o.b. (2002 est.)	[44th of 225]
(per \$ GDP):	\$5.41 per \$100	[160th of 221]
(per capita):	\$363.21 per person	[121st of 225]

8

منبع: World Bank, World Development Indicators 2004

Exports - goods and services:	35%	[84th of 163]
Exports - high technology:	2%	[84th of 111]
Exports - manufactured:	7%	[110th of 130]
Exports - partners:	Japan 17.4%, China 8.6%, UAE 7.6%, Italy 6.6%, South Korea 4.9%, South Africa 4.4% (2002)	
Exports - primary:	93%	[9th of 122]
Exports to US:	\$44300000	[106th of 246]
(per \$ GDP):	\$0.00 per \$100	[182nd of 213]
(per capita):	\$0.64 per person	[178th of 222]
Fiscal year:	21 March - 20 March	[0th of 233]

9

منبع: *World Bank, World Development Indicators 2003*

همانطور که ملاحظه می‌گردد ایران در پایان افق چشم انداز حدود ۹۰ میلیون نفر جمعیت خواهد داشت. نرخ بیکاری فعلی حدود ۱۴٪ است که با توجه به اینکه در دهه ۶۰ سالانه ۱۸۰۰۰۰۰ نفر متولد شده اند، و روندی که تاکنون برای ایجاد اشتغال در کشور وجود داشته است، اگر این روند ادامه یابد، با وجود خیل عظیم بیکاران که بالاجبار و ناخواسته ضمن عدم مشارکت در تولید، مصرف کننده نیز می‌باشند، تحقق اهداف اقتصادی مورد نظر چشم انداز دشوار خواهد بود. از سوی دیگر این جمعیت بیکار می‌تواند منشاء مشکلات سیاسی متعددی شود که در جای خود مانع تحقق اهداف اقتصادی گردد.

http://bazbaran.ir/Fa/Content/Content.aspx?cat_id=217

یکی از شاخص‌های فرهنگی که سند چشم‌انداز به آن توجه دارد، موضوعات فرهنگی کشور بوده و ایران را الهام بخش جهان اسلام و دارای جایگاه نخست در میان کشورهای منطقه و همسایه، معرفی کرده است. یکی از زیر ساخت‌های اصلی برای تحقق این هدف، سطح سواد جامعه است. زیرا به طور طبیعی هیچ‌گاه یک جامعه بی‌سواد نمی‌تواند الهام بخش دیگر جوامع بوده و از نظر فناوری و علمی رشد کند. شاخص‌های مندرج در جداول فوق نشان می‌دهند که ایران تنها از کشورهای افغانستان و پاکستان و عراق جلوتر بوده و تقریباً با عربستان و امارت و سوریه هم سطح و از بقیه

کشورهای منطقه با اختلاف قابل توجه عقب‌تر است. لذا برای تحقق اهداف چشم انداز، لازم است فعالیت بیشتری در این زمینه صورت گیرد. با توجه به اینکه عربستان، ازبکستان و حتی اردن نزدیک به ۷٪ تولید ناخالص داخلی خود را به امر آموزش اختصاص می‌دهند و ایران تنها حدود ۳٪ از تولید ناخالص داخلی خود را در موضوعات آموزشی صرف می‌کند لذا نمی‌توان امیدوار بود که از این نظر حائز رتبه اول گردد. زیرا همان‌طور که گفته شد با توجه به اینکه ما می‌خواهیم جایگاه اول را به دست آوریم شاید اهمیت زیادی نداشته باشد که ما در این زمینه چقدر بودجه صرف می‌کنیم. بلکه مهم این است که رقبای ما نیز بیکار ننشسته و آنان نیز برای ارتقاء خود تلاش می‌کنند. تلاشی که به استناد آمارهای مذکور، بعضاً بیش از تلاش ما بوده است!

شاخص‌های توسعه انسانی نیز که می‌توانند در الهام‌بخش کردن ایران برای مسلمانان جهان نقش مهمی ایفا کنند، وضعیت ایران را بعد از کشورهای ارمنستان، عمان، قزاقستان، گرجستان، ترکیه، کویت و حتی عربستان و امارت نشان می‌دهند. (*UNESCO Institute for Statistics, March 2003, 11*) با توجه به طرح‌هایی که برای تبدیل ترکیه به کشور الگوی مسلمانان منطقه وجود دارد و با توجه به ادعاهای عربستان در خصوص ام‌القرائی جهان اسلام، به نظر می‌رسد ادامه روندهای موجود نمی‌تواند ما را به اهداف چشم‌انداز برساند و برای تحقق این اهداف بایستی سرعت خود را بیشتر کنیم.

وضعیت علمی ایران

بر اساس اطلاعات منتشره در پایگاه‌های ISI، وضعیت علمی ایران طی سال‌های اخیر به نحو ملموسی رو به رشد داشته و نسبت به گذشته پیشرفت چشم‌گیری از خود نشان داده است. اما این رشد برای تبدیل شده به کشور اول منطقه ناکافی بوده و در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه و حتی همسایه، ایران برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز، باید تلاش بیشتری به عمل آورد.

البته در نگاه انتقادی به شاخص‌های مذکور، به این موضوع نیز توجه داریم که اولاً پایگاه‌های نظیر ISI فقط موارد مورد نظر خود را در محاسبات منظور نموده و از احتساب تولیدات دینی و شاخه‌های علوم انسانی ما اجتناب می‌نمایند و ثانیاً ایران در برخی زمینه‌ها مانند موشک‌سازی پیشرفت‌هایی داشته است که نمی‌تواند آنها را در پایگاه‌هایی نظیر ISI ارائه نماید. لذا سهم ایران از تولید علم جهان کمتر از واقع نشان داده می‌شود. بی‌تردید یکی از دلایل کمتر نشان دادن سهم ایران، محرمانه بودن برخی تحقیقات است. لیکن می‌توان پیش‌بینی نمود که دیگر

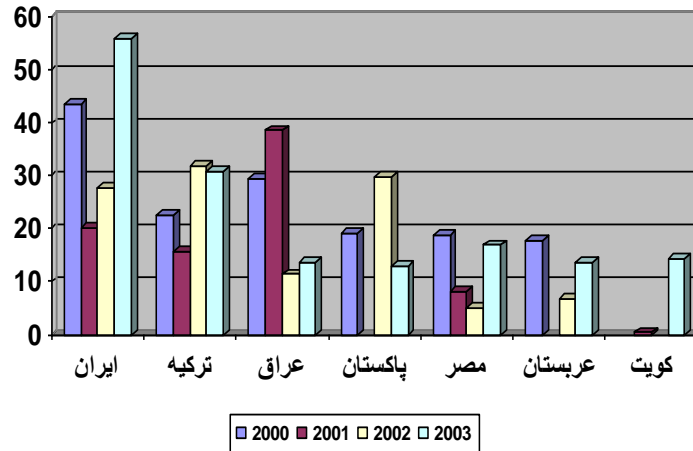
کشورها نیز طرح های محرمانه دارند که آن طرح ها نیز در پایگاه مذکور نمی آیند و چه بسا تعداد طرح های محرمانه آنان بیش از ما باشد. لذا اگر این موارد را کنار گذاشته و آنها را در مورد همه کشورها تقریباً یکسان در نظر بگیریم، می توان بر اساس اطلاعات آشکار منتشره قضاوت نمود که سهم ایران از تولید علم علی رغم آنکه از کشورهای نظیر ترکیه، مصر و حتی عربستان کمتر است، اما روند آن سیر صعودی داشته و در حال سرعت گرفتن است. **نمودارها نشان می دهند که نرخ رشد تولید علمی ایران طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ از همه کشورهای منطقه و همسایه بیشتر بوده است.** این نقطه شروع خوب و جای امیدواری برای تحقق اهداف سند چشم انداز است مشروط بر آنکه این روند هم در ایران و هم در کشورهای رقیب طی ۲۰ سال آتی همچنان ادامه یابد.

بررسی تولیدات علمی در سال ۲۰۰۳ در پایگاه های ISI نشان می دهد در این سال ایران با ۳۳۲۶ رکورد علمی ثبت شده، در این پایگاه ها حضور داشته است. در سطح گروه ها و رشته های تحصیلی، تولیدات علمی ایران در پنج گروه تحصیلی و ۱۴۸ رشته تحصیلی قرار گرفته است. در بین گروه های تحصیلی، گروه علوم پایه ۴۸.۴ درصد، گروه علوم پزشکی ۲۴.۶ درصد، گروه فنی و مهندسی ۱۹.۲ درصد، گروه کشاورزی و دامپزشکی ۵.۳ درصد و گروه علوم انسانی ۲.۵ درصد از تولیدات علمی ایران را به خود اختصاص داده اند. **(انصافی، سکینه و غریبی، حسین: ۱۳۸۳- ص ۴۶۷)**

وضعیت تولید علمی در هر یک از رشته های تحصیلی نشان می دهد در گروه علوم پایه رشته شیمی آلی، در گروه علوم پزشکی رشته داروشناسی و داروسازی، در گروه فنی و مهندسی رشته مهندسی برق و الکترونیک، در گروه کشاورزی و دامپزشکی رشته علوم دامپزشکی و در گروه علوم انسانی رشته روانشناسی در مراتب اول هر گروه قرار دارند.

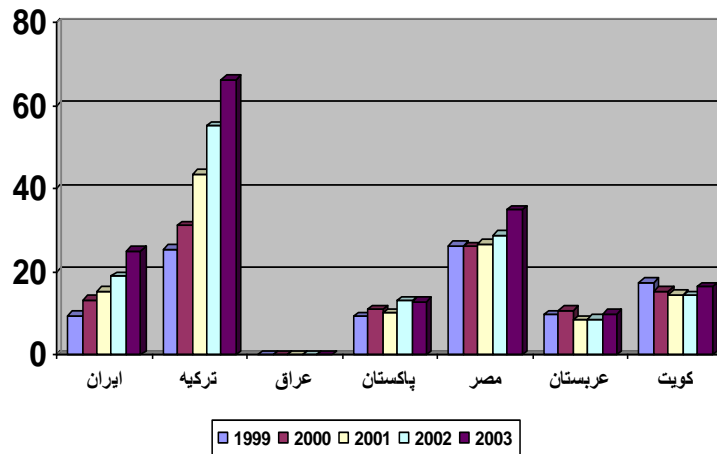
وضعیت ارجاعات تولیدات علمی ایران به عنوان یکی از شاخص های اساسی و مهم در بررسی های علم سنجی نشان می دهد مجموع ۳۳۲۶ رکورد تولید علمی ایران، دارای ۹۹۳ ارجاع بوده اند. ضریب تأثیر به عنوان یک شاخص مهم در ارزیابی کیفی تولیدات علمی برای مجموع ۳۳۲۶ رکورد تولید علمی ایران ۰.۳ بدست آمده است. همچنین مجموع مراجع مورد استفاده در تولید علمی ایران نیز ۷۰۴۴۹ مورد می باشد که متوسط آن ۲۱.۲ مورد برای هر تولید علمی است. **(انصافی، سکینه و غریبی، حسین: ۱۳۸۳- ص ۴۶۹)**

نرخ رشد تولید علمی طی سالهای 2000 الی 2003



(انصافی، سکینه و غریبی، حسین : ۱۳۸۳-صص ۴۲۵ الی ۴۲۹)

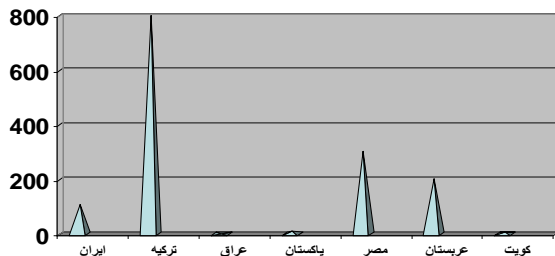
مقایسه نسبت تولید علمی به GNP



(انصافی، سکینه و غریبی، حسین : ۱۳۸۳-صص ۴۲۵ الی ۴۲۹)

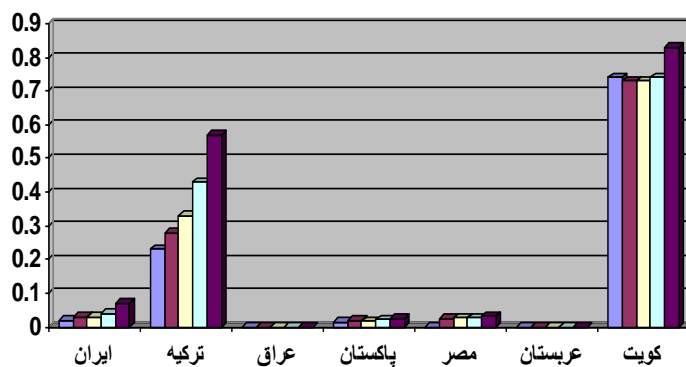
مقایسه تولید علم در ایران با دیگر کشورهای همسایه نشان می‌دهد که رقیب جدی ایران در این زمینه، ترکیه است که هم بهره‌وری سرمایه و هم بهره‌وری نیروی انسانی تحقیق و توسعه‌ی آن بیشتر از ایران می‌باشد.

سهم تولید علم کشورهای مختلف در سال 2000
در پایگاه های ISI



(انصافی، سکینه و غریبی، حسین : ۱۳۸۳-صص۴۲۵ الی ۴۲۹)

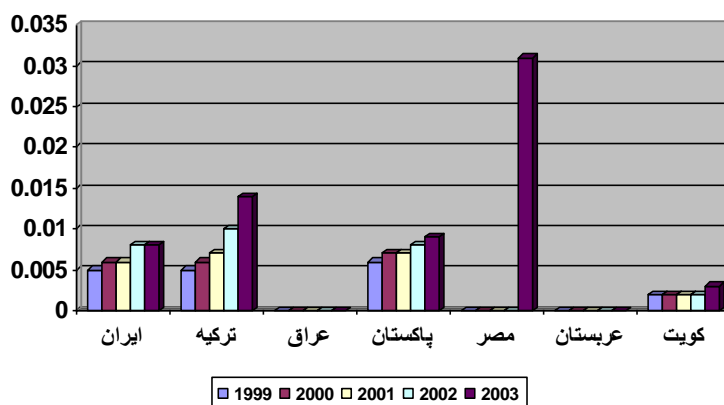
مقایسه نسبت تولید علمی به نیروی انسانی تحقیق و توسعه
(بهره وری نیروی کار)



(انصافی، سکینه و غریبی، حسین : ۱۳۸۳-صص۴۲۵ الی ۴۲۹)

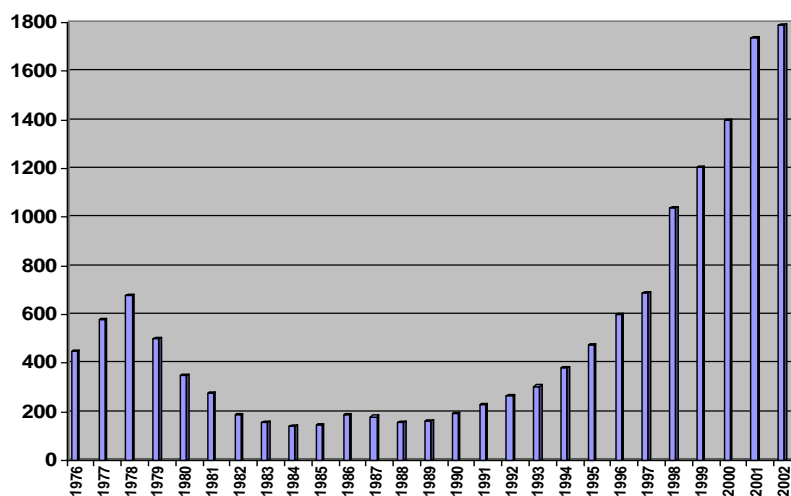
بررسی تولیدات علمی ایران طی ربع قرن پایانی سده بیستم میلادی، نشان می دهد که تا قبل از انقلاب این روند یک روند افزایشی بوده است. با وقوع انقلاب و جنگ تحمیلی، این روند به طور محسوسی سیر نزولی یافته و در سال های پایانی جنگ تحمیلی به نقطه حضيض خود می رسد. پس از خاتمه جنگ، با استفاده از تجربیات ارزشمند حاصل از جنگ و توجه بیشتر به امر تحقیق و توسعه، روند مذکور مجدداً سیر صعودی یافته و پس از حدود بیست سال به نقطه ای که هنگام وقوع انقلاب داشت، می رسد. آهنگ رشد این روند بسیار چشمگیر است به طوری که تنها پس از ۵ سال به سه برابر نقطه مذکور دست یافته است! این روند بسیار امیدوار کننده و مسرت بخش است و اگر همچنان ادامه یابد، تحقق این بخش از اهداف سند چشم انداز امکان پذیر خواهد بود.

مقایسه نسبت تولید علمی به بودجه تحقیق و توسعه (بهره وری سرمایه)



(انصافی، سکینه و غریبی، حسین : ۱۳۸۳-صص ۴۲۵-۴۲۹)

توزیع سالیانه مقالات ایرانی طی سالهای ۱۹۷۵ الی ۲۰۰۲



(منصور، ۱۳۸۲ : ص ۹۳)

برای تحقق اهداف چشم‌انداز آهنگ رشد علم در ایران باید یک آهنگ غیرخطی باشد. اگر این آهنگ خطی باشد، جبران عقب ماندگی‌های فعلی هیچ‌گاه قابل تصور نخواهد بود و عملاً اهداف چشم‌انداز امکان تحقق نخواهند یافت. به طور مثال اگر ما هر سال ۲۰ نفر دکترای فیزیک تربیت کنیم، پس از ۳۰ سال ۶۰۰ نفر تربیت می‌شوند که رقم بسیار ناچیزی است. به علاوه پس از این مدت تعادل برقرار شده و سالی ۲۰ نفر بازنشسته خواهند شد. یعنی دیگر به این تعداد افزوده نخواهد شد. چاره این

است که همواره در صدی از تعداد موجود را تربیت کنیم. فرض کنیم n فیزیکی‌دان داریم و می‌خواهیم این تعداد را به N نفر برسانیم. می‌کوشیم هر سال $1/a$ ام تعداد موجود را تربیت کنیم تا پس از x سال این تعداد به تعداد مطلوب N نفر برسد. در این صورت با استفاده از فرمول ذیل، جدول زیر را خواهیم داشت:

$$\text{Log}(N/n) / \log(1+1/a) = x$$

N/n	1/a		
	20% = 1/5	10% = 1/10	5% = 1/20
1000/200 = 5	9	17	33
10000/500 = 20	16	32	62
30000/500 = 60	22	43	85

(منصوری، ۱۳۸۲: ص ۱۴۵)

این جدول تعداد سال‌های لازم x ، برای مقادیر مختلف N/n و نیز آهنگ رشد $1/a$ را به دست می‌دهد. بر اساس این جدول هرگاه ما ۵۰۰ دانشمند (در هر رشته) داشته و بخواهیم آنها را به ۱۰۰۰۰ نفر برسانیم (که برای احراز جایگاه اول منطقه این تعداد لازم است)، اگر سالیانه ۲۰٪ تعداد موجود دانشمند تربیت شود، در این صورت تعداد مورد نظر طی ۱۶ سال تربیت خواهند شد. اگر این نسبت ۱۰٪ باشد، این مدت ۳۲ سال که تقریباً دو برابر افق چشم انداز می‌باشد، به طول خواهد انجامید و هرگاه این نسبت ۵٪ باشد، این مدت به ۶۲ سال افزایش خواهد یافت. بنابر این دستگاه‌های اجرایی و برنامه ریز کشور باید منابع خود را برای تربیت سالیانه ۲۰٪ دانشمند موجود بسیج کنند. زیرا تنها در این صورت است که می‌توان به تحقق اهداف سند چشم انداز امیدوار بود. این محاسبات می‌توانند به سایر موارد نیز تعمیم یافته و از این نظر که اعداد و ارقام مورد نیاز را برای رسیدن به اهداف نشان می‌دهند، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند.

نتیجه‌گیری

سند چشم انداز، تصویری آرمانی از آینده است که اهداف بلند مدت یک کشور را نشان می‌دهد. چشم انداز بیست ساله ج.ا. با قائل شدن جایگاه نخست علمی و اقتصادی برای ایران در

میان کشورهای آسیای جنوب غربی و همسایه، به طور شفاف هدف‌گذاری نموده و به خروج از وضعیت فعلی، الهام بخشی در جهان اسلام و تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل اشاره نموده است.

تجربه نشان می‌دهد که گذشته و حال، چراغ راه آینده بوده و بدون توجه به وضعیت فعلی هیچ ملتی، نمی‌تواند در مورد آینده آن قضاوت نمود. در واقع این حال است که آینده را می‌سازد. منطق روشهای آماری و ریاضی نظیر برازش (رگرسیون) نیز بر همین اصل استوار است. لذا برای بررسی تحقق اهداف چشم‌انداز، توجه به وضعیت کنونی خود و کسانی که می‌خواهیم در این رقابت از آنان جلو بزنیم ضروری است.

بر اساس بررسی‌های انجام شده، سالیانه یک میلیون جویای کار به جمع جویندگان قبلی کار افزوده می‌شود که برای اشتغال آنان به ۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز است. این خیل عظیم، هم می‌تواند برای تحقق چشم‌انداز فرصت باشد و هم اگر خوب مدیریت نشود، برای آن تهدید بوده و مانع تحقق آن گردد. این جمعیت، بلعنده‌ی همه‌ی امکاناتی است که برای تحقق چشم‌انداز لازم است.

مقایسه نرخ با سواد ایران با کشورهای آن که در سند چشم‌انداز با آنها رقابت دارد، نشان می‌دهد که شاخص‌های سواد در اغلب این کشورها بالاتر از ایران می‌باشند و تنها کشورهایی چون افغانستان، عراق و پاکستان از ایران عقب‌تر هستند. لذا برای جلوگیری از این کشورها، به تلاش بیشتری نیاز است. در زمینه توسعه‌ی انسانی نیز شاخص‌ها وضعیت رقبا را بهتر از ایران نشان می‌دهند. در مقایسه با این کشورها، تولید علمی ایران باید به طور لگاریتمی و نه خطی، افزایش یابد تا بتوانیم از آنان جلو زده و به جایگاه مورد نظر در سند چشم‌انداز دست یابیم. علی‌رغم آنکه آهنگ تولیدات علمی ایران طی چند سال اخیر بسیار امیدوارکننده بوده، لیکن هنوز تولید علمی ایران از کشورهایی چون ترکیه کمتر است و با این آهنگ ما قادر نخواهیم بود به جایگاه نخست علمی و فناوری در منطقه دست یابیم مگر آنکه سرعت خود را بیشتر کنیم. برای اینکار باید بهره‌وری نیروی تحقیق و توسعه و بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این بخش (هر دو) را افزایش دهیم.

در این رابطه تنها می‌توان گفت سند چشم‌انداز فقط با همکاری سه قوه و اصلاح برخی ساختارهای اقتصادی محقق می‌شود. با بهره‌گیری از منابع و سرمایه بخش خصوصی و نیز جلب

سرمایه های خارجی برای رفع کمبود منابع، می توان بر اساس سند چشم انداز ۲۰ ساله به سوی دستیابی به رشد اقتصادی ۷ تا ۸ درصدی حرکت کرد. اجرای اهداف چشم انداز، نیاز به همفکری، همدلی و مشارکت ملی دارد. البته با توجه به پتانسیلهای موجود در ایران، امکان تحقق اهداف چشم انداز وجود دارد، منتهی مستلزم مدیریت صحیح منابع است. تحقق چشم انداز مستلزم این است که همه واحدها و بخشها خود را سهم و موثر در تحقق چشم انداز بدانند. چشم انداز قطعاً به صورت دستوری و بخشنامه ای تحقق پیدا نخواهد کرد و تنها از طریق مشارکت، همفکری و همدلی همه واحدها می توان به اهداف آن دست یافت. نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که چشم انداز نباید تافته جدا بافته از سیاستهای کلی و خط مشی ها و سایر برنامه های اجرایی کشور باشد. اگر برنامه ریزان، چشم انداز را در اجزای برنامه های کوتاه مدت و میان مدت خود لحاظ نکنند و کمافی السابق راه خود را بروند و چشم انداز را تنها زینت بخش مقدمه برنامه های کلان قرار دهند، ره به جایی نخواهیم برد.

نقش و جایگاه مردم در تحقق چشم انداز نیز اهمیت حیاتی دارد. تحقق چشم انداز نیاز به سختکوشی، وجدان کار و انضباط اجتماعی دارد و الا چشم انداز در حد یک شعار باقی خواهد ماند. قوای سه گانه و ارکان و اجزای قوا اگر بر روی این برنامه وحدت و عزم ملی نداشته باشند، چشم انداز تحقق نخواهد یافت. چشم انداز نیاز به نظارت جدی و موثر دارد و هر بخشی چنانچه نظارت نگردد، در ایفای تعهدات و وظایف خویش سست و دلمرده خواهد شد. ما با تحقق چشم انداز باید به جهانیان بفهمانیم که رتبه اول منطقه، حداقل شایستگی هایی است که ملت ایران باید از آن برخوردار باشد.

ان شاء الله.

بن مایه ها

محمدبیگی، علی اعظم - دولت و حمایت از تولیدات فرهنگی هنری - نامه پژوهش ، فصلنامه تحقیقات فرهنگی - سال چهارم - شماره ۱۶ و ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۷۹ .
منصوری، رضا - توسعه ی علمی ایران - انتشارات اطلاعات - تهران ۱۳۸۲
نگهداری، بابک - سیاست های فرهنگی کشورهای جهان (دوجلدی) - انتشارات ایلیا گستر -

تهران ۱۳۸۱

*<http://www.khaligefars.com>
www.barnameh-budjeh.com/New_Project3/index.asp.htm
http://www.barnameh_budjeh.com
<http://amar.sci.org.ir>
<http://www.csr.ir/persian.asp>
http://bazbaran.ir/Fa/Content/Content.aspx?cat_id=217
<http://www.baztab.com>
CIA World Factbook, December 2003;
World Development Indicators 2002. CD-ROM. Washington, DC.
United Nations World Statistics Pocketbook and Statistical Yearbook
UNESCO Institute for Statistics, March 11, 2003
World Bank, World Development Indicators 2002, WDI table 3.12.
via ciesin.org; Lund and Freeston; Proceedings of the World Geothermal
Congress 2000;*